

# علم أصول الفقه

٧٤

١٨-١-٩٤ ظهور

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

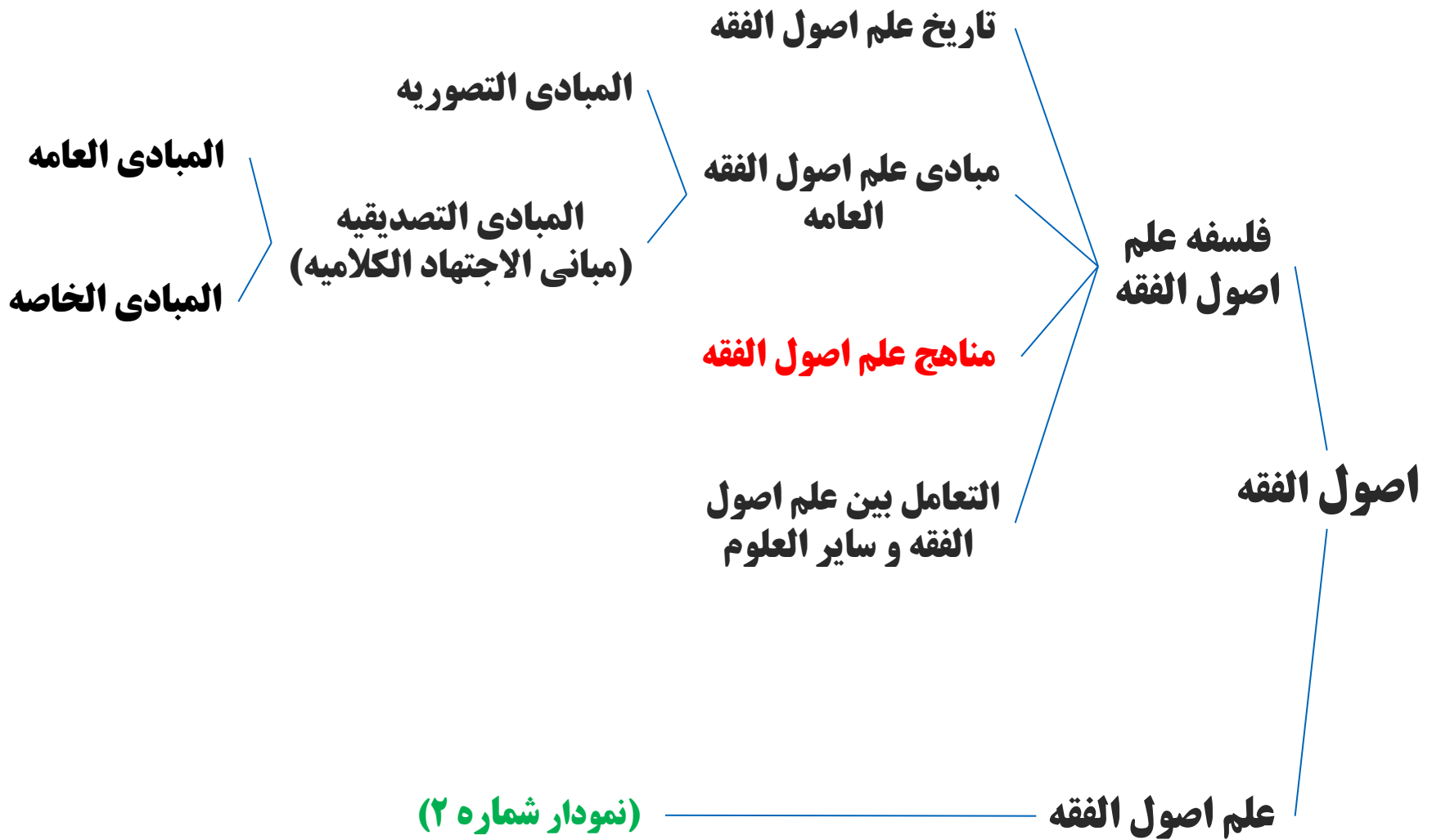
## أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

- هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ  
وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (٤)
- لِيَدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ  
فِيهَا وَ يُكْفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ كَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (٥)

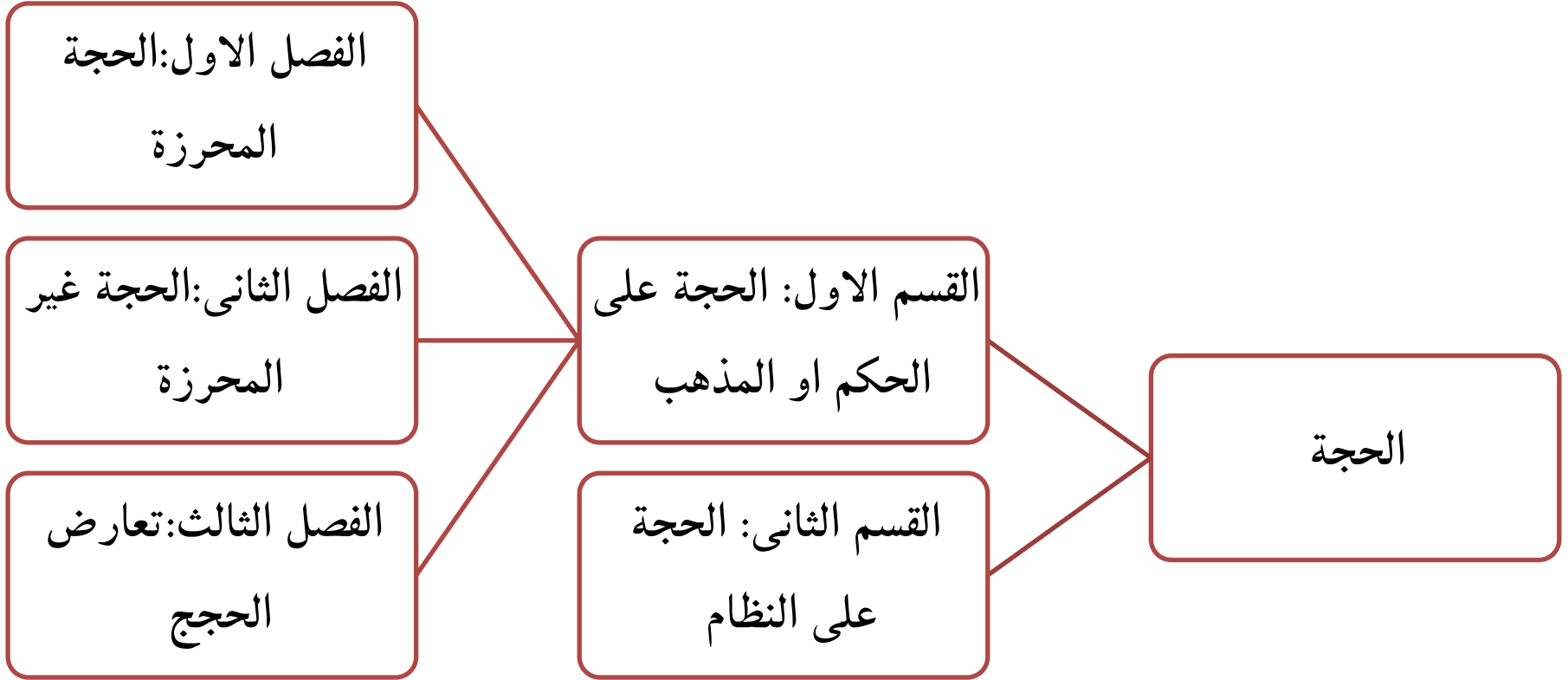
## الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ

- وَ يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا (٤)
- وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (٧)

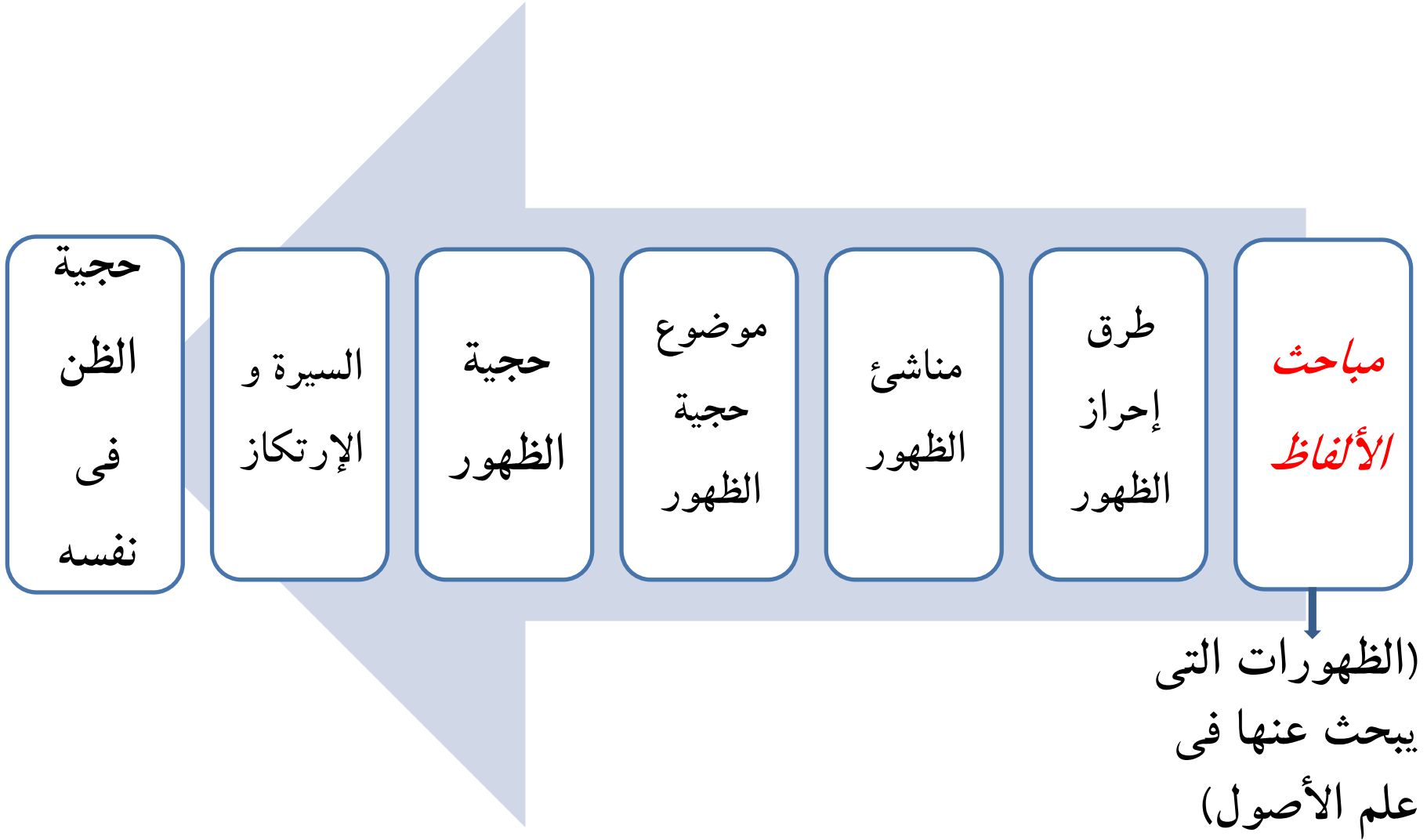
(نمودار شماره ۱)

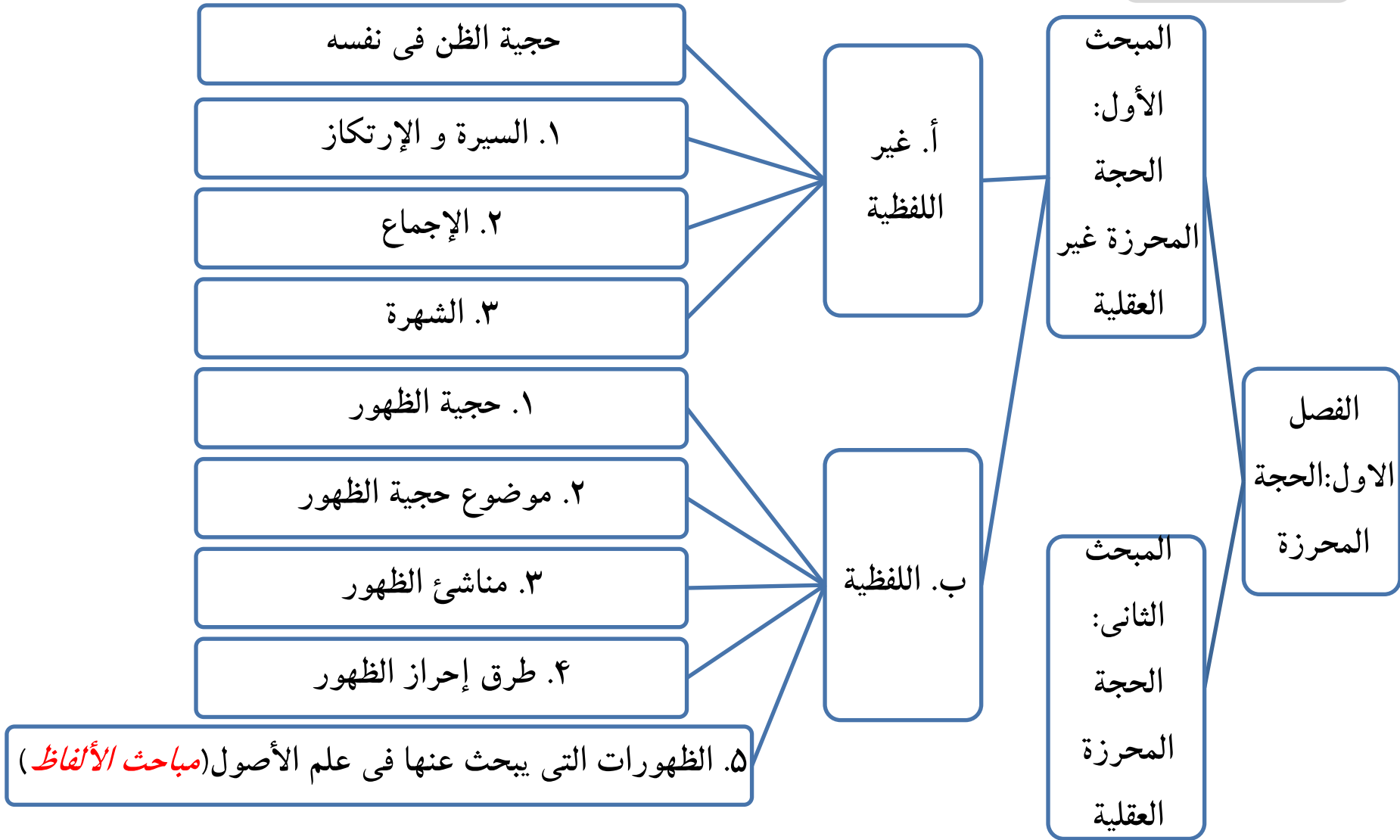


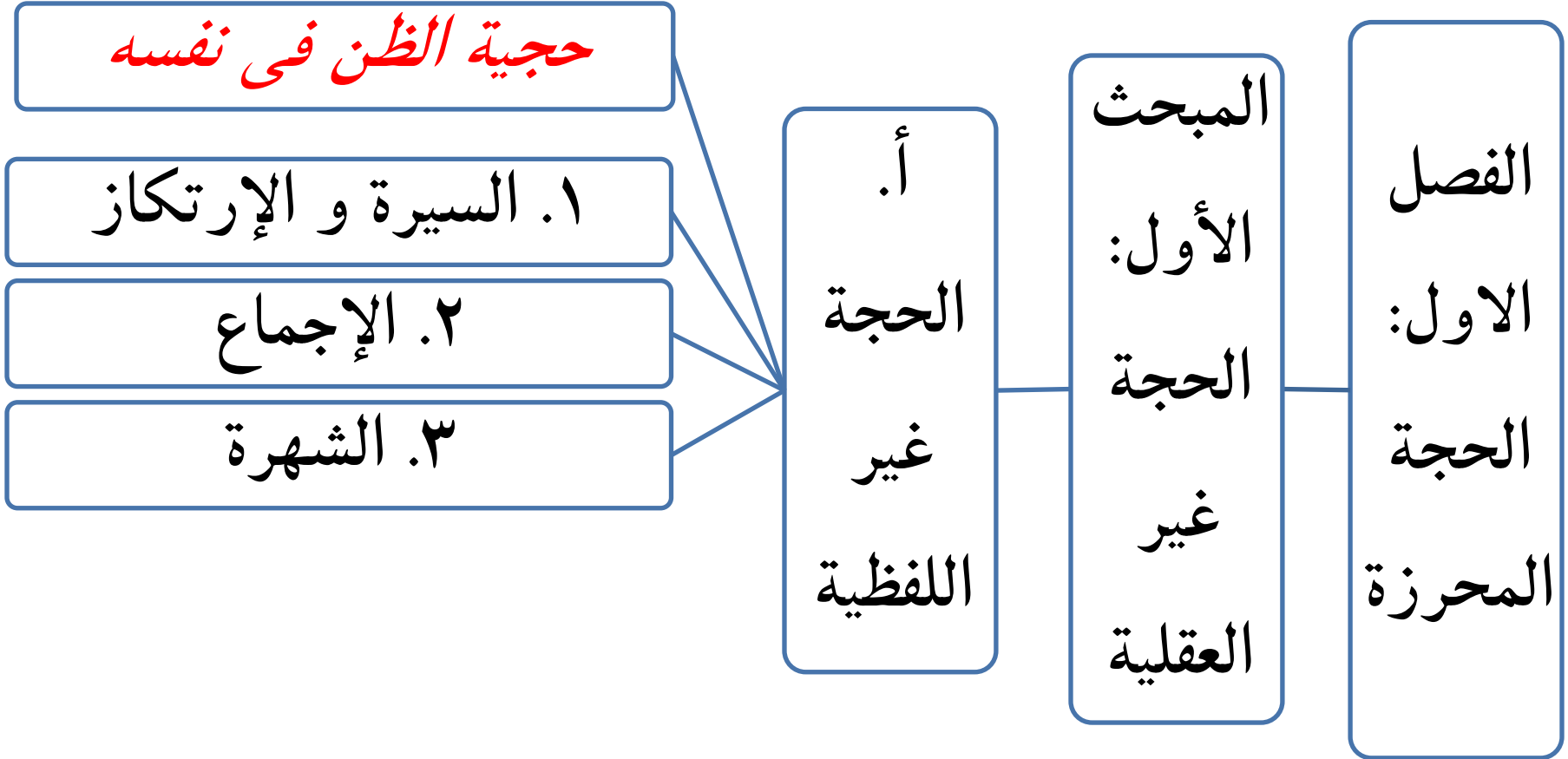
## علم اصول الفقه



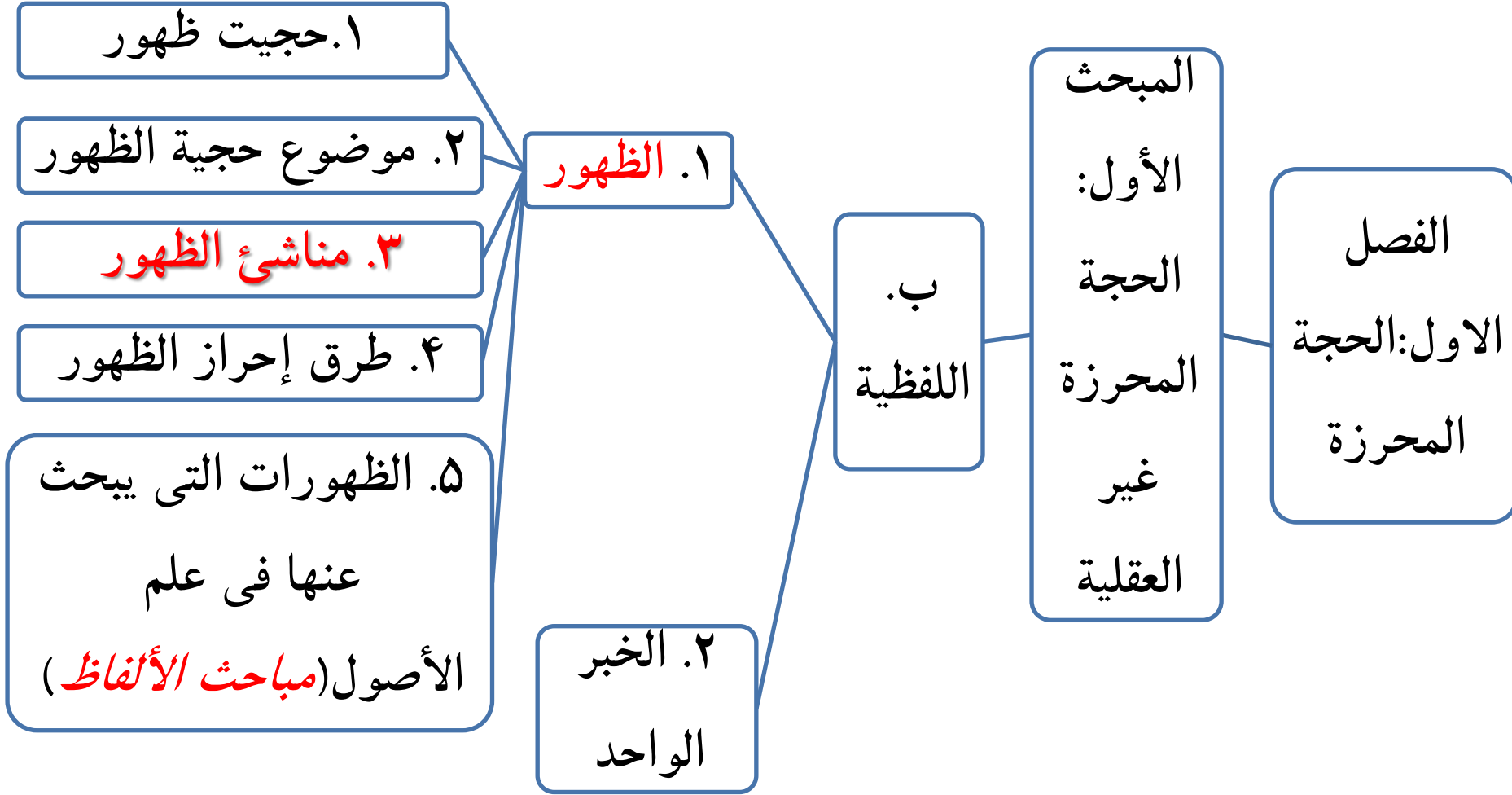
## ترتيب اصول متعارف

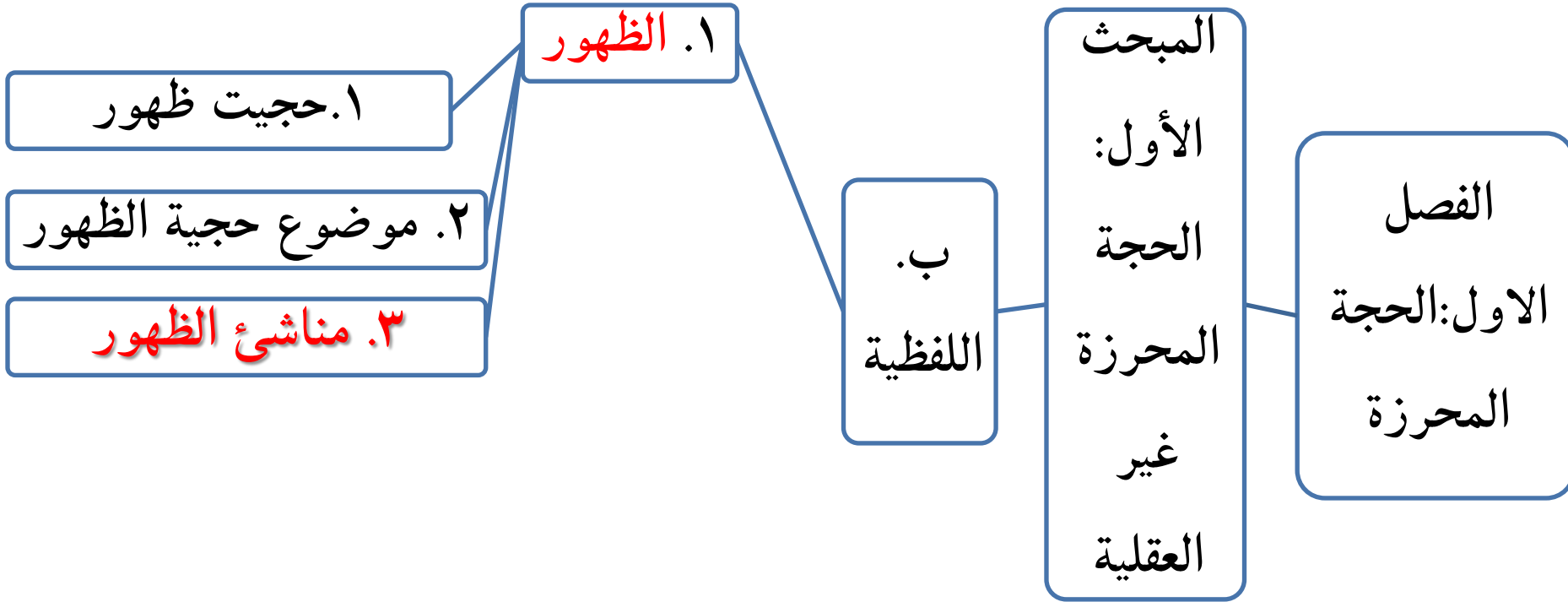


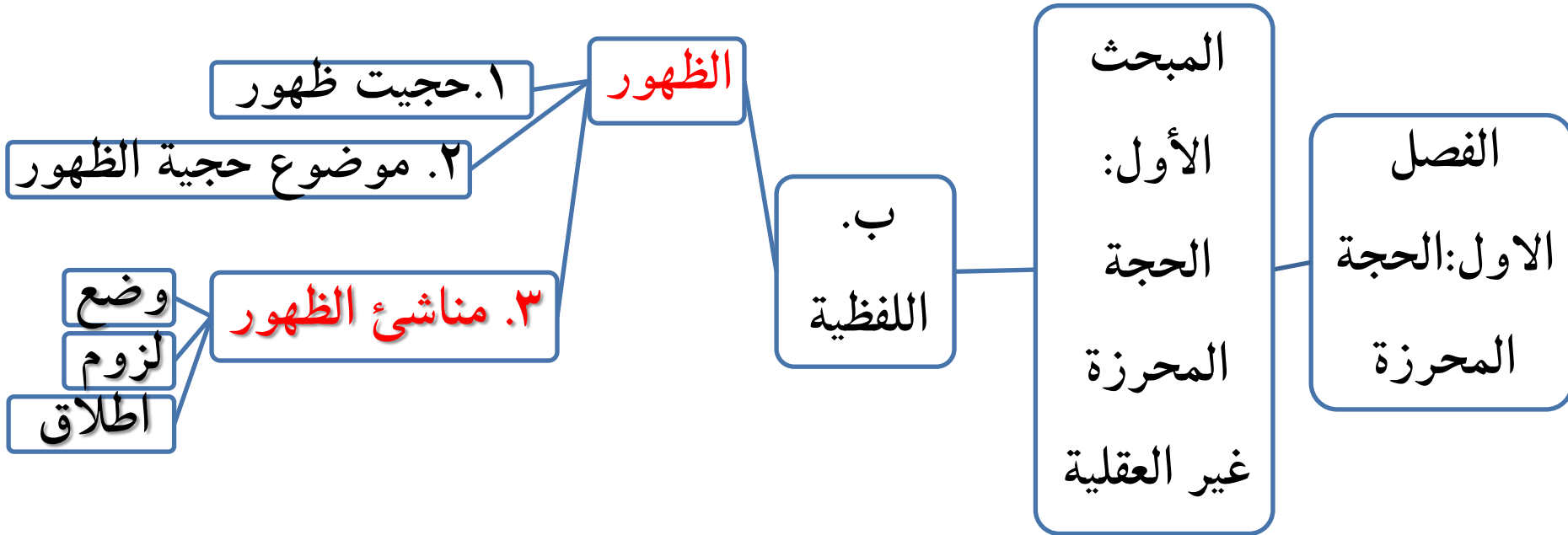




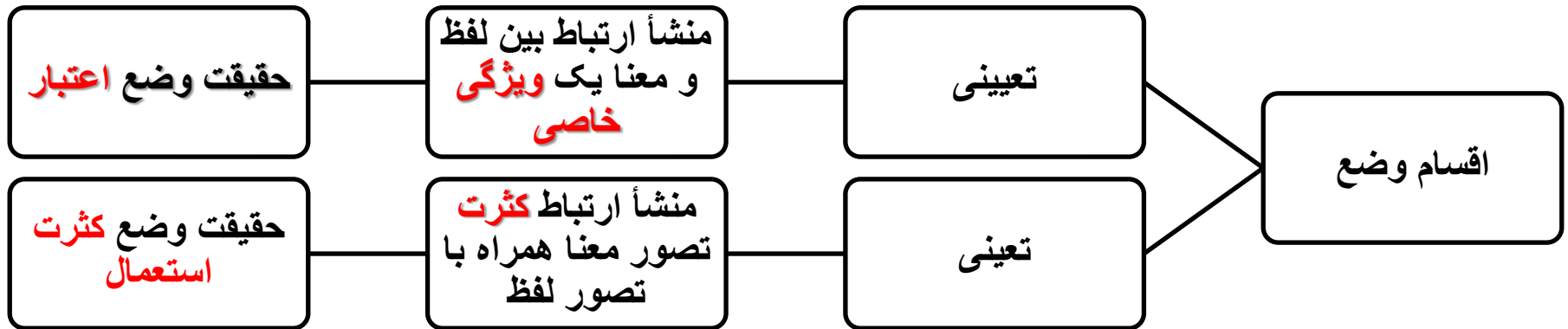


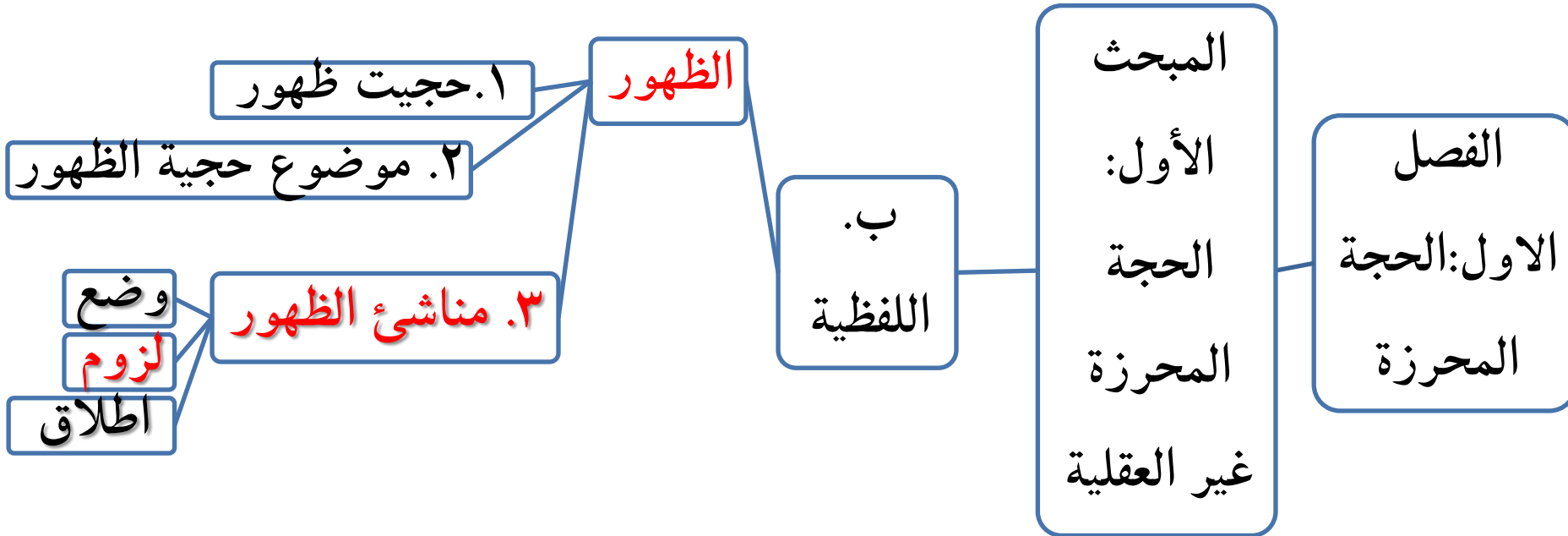




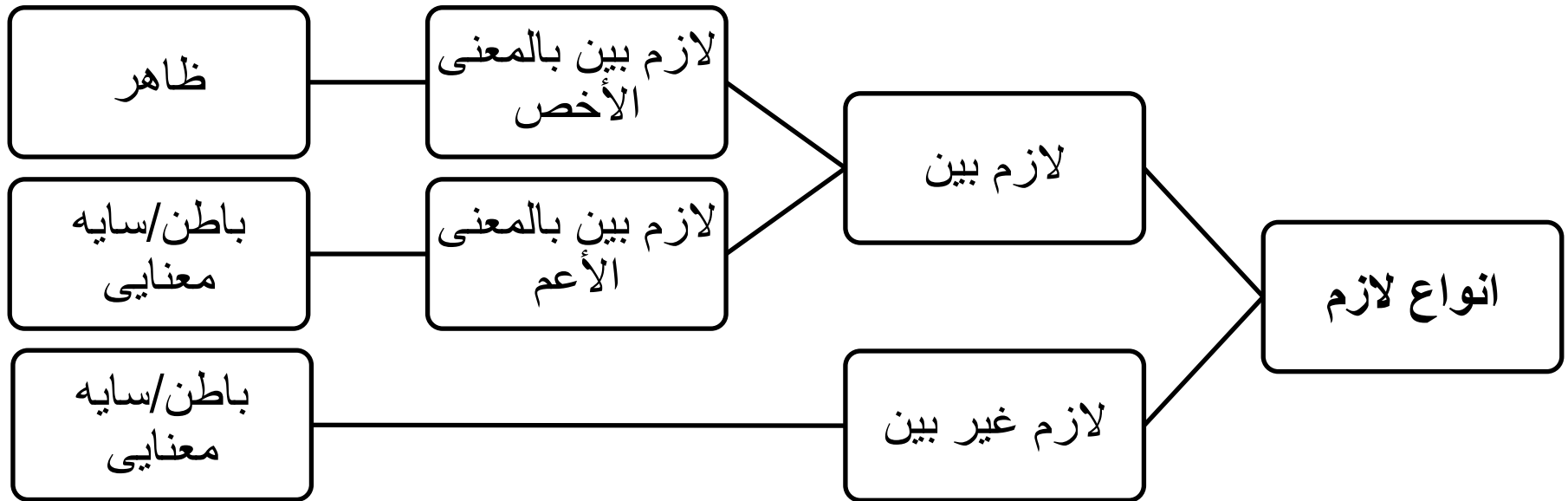


# وضع یکی از مناشیء ظهور





# لزوم یکی از مناشیء ظهور



استعمال  
مجازی

تصور لازم بین  
بالمعنى الأخص  
معناى موضوع له  
**قرینه صارفه**

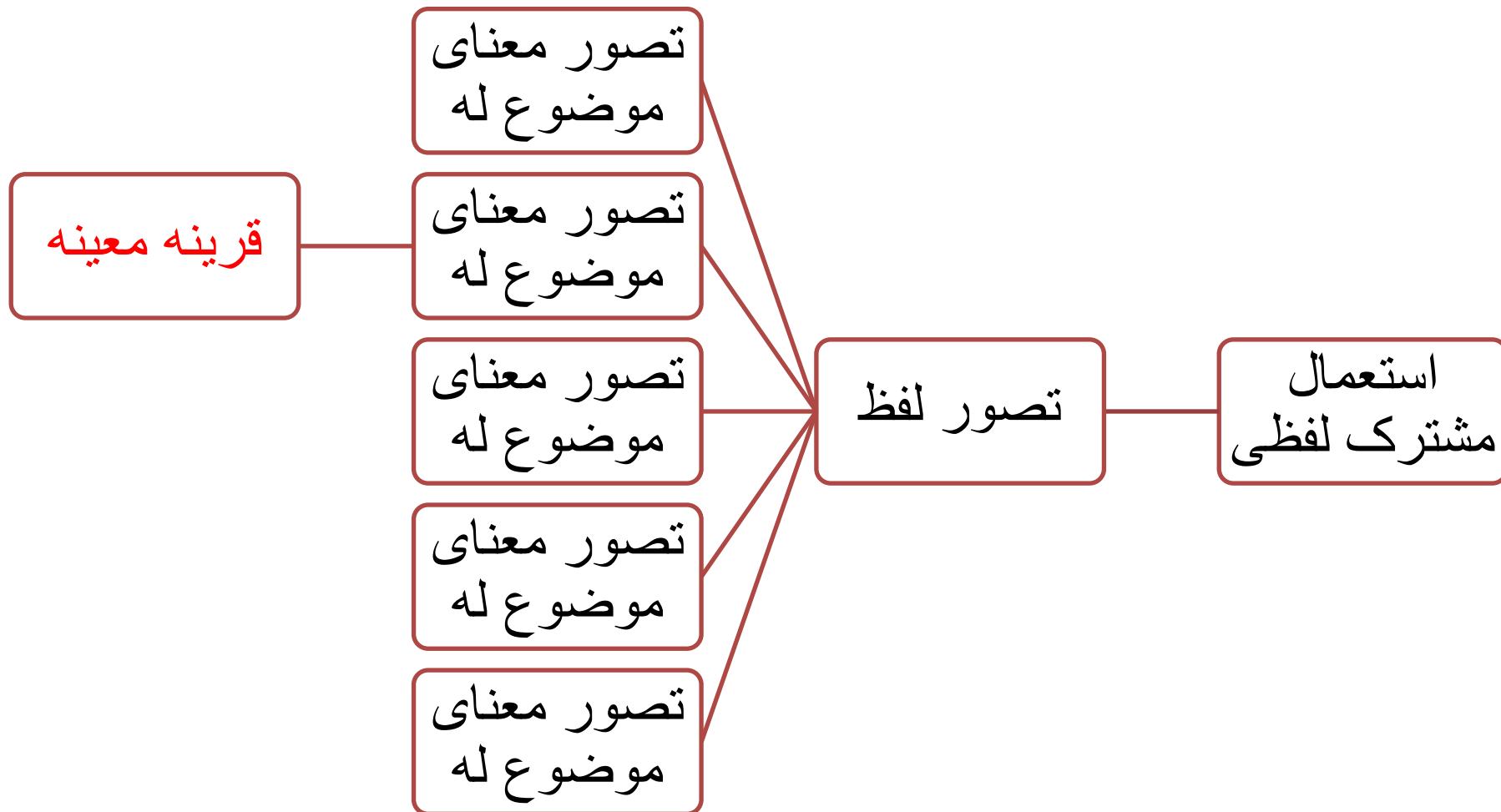
تصور معنای  
موضوع له

تصور لفظ

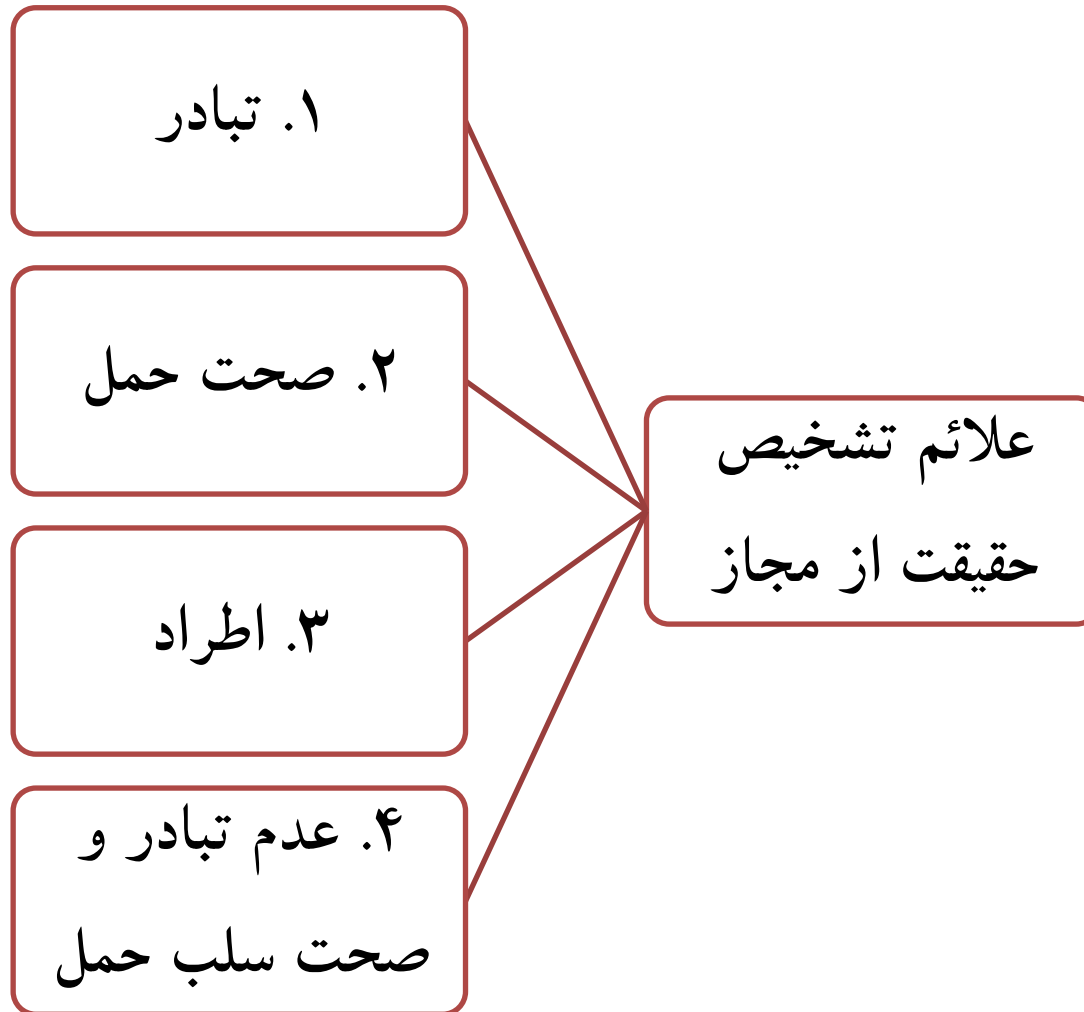
# وضع یکی از مناشیء ظهور







# علائم تشخیص حقیقت از مجاز



تبادر

تصور لفظ

تصور  
معنای  
موضوع له

تصور لازم بین  
بالمعنى الأخص  
معنای  
موضوع له

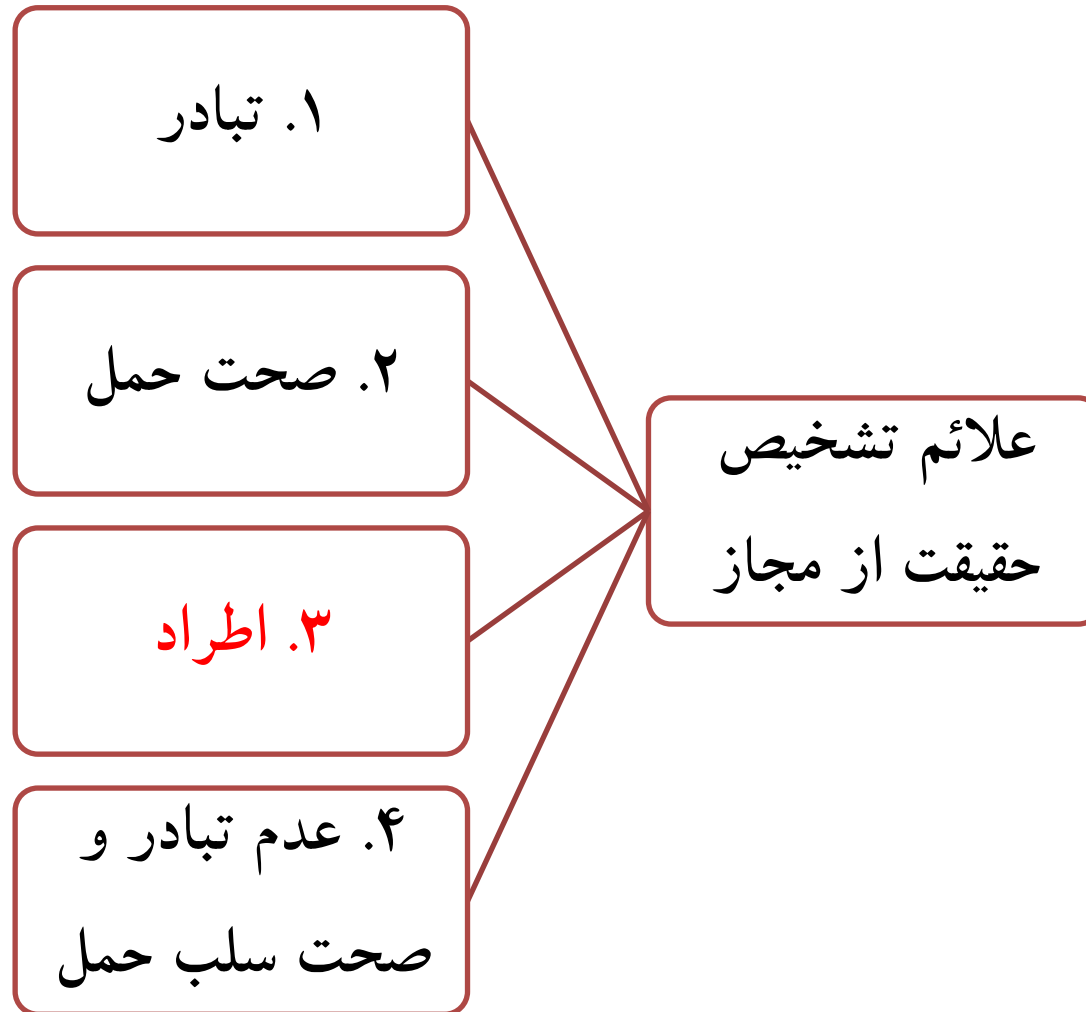
## علائم تشخیص حقیقت از مجاز

لفظ با معنای ارتکازی خود  
موضوع قضیه منطقی و  
آن معنای محتمل محمول

معنای محتمل، موضوع و  
لفظ با معنای ارتکازی خود  
محمول

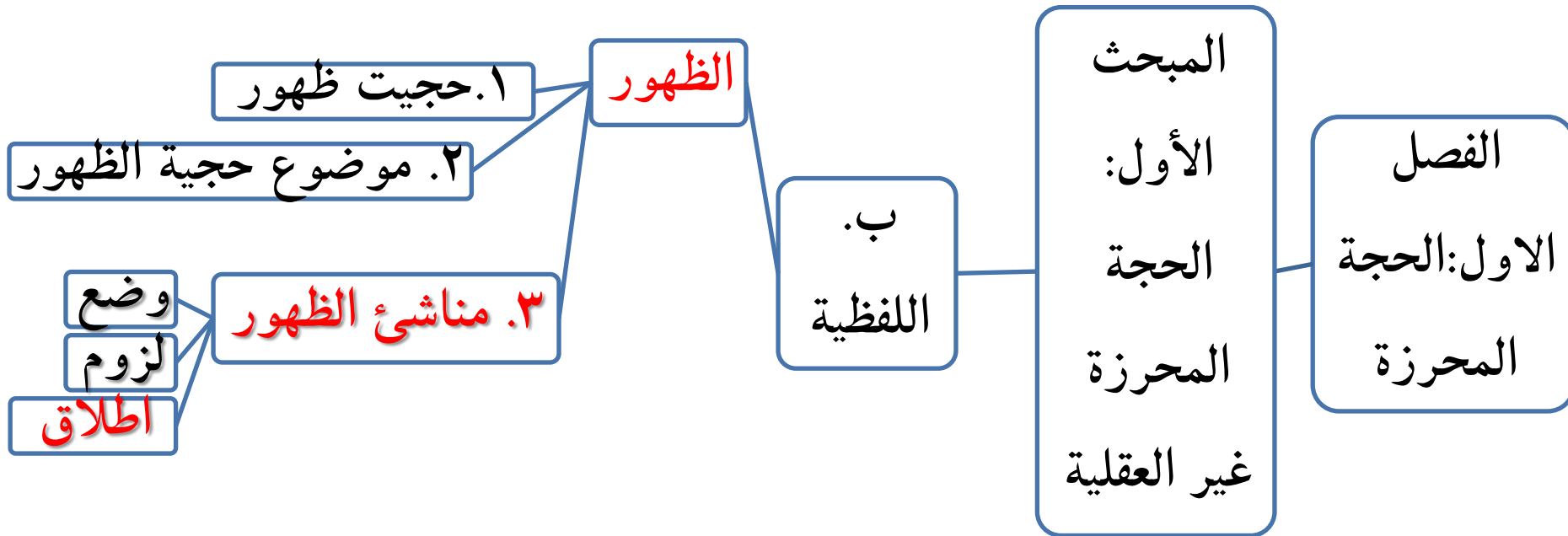
صحت حمل

# علائم تشخیص حقیقت از مجاز

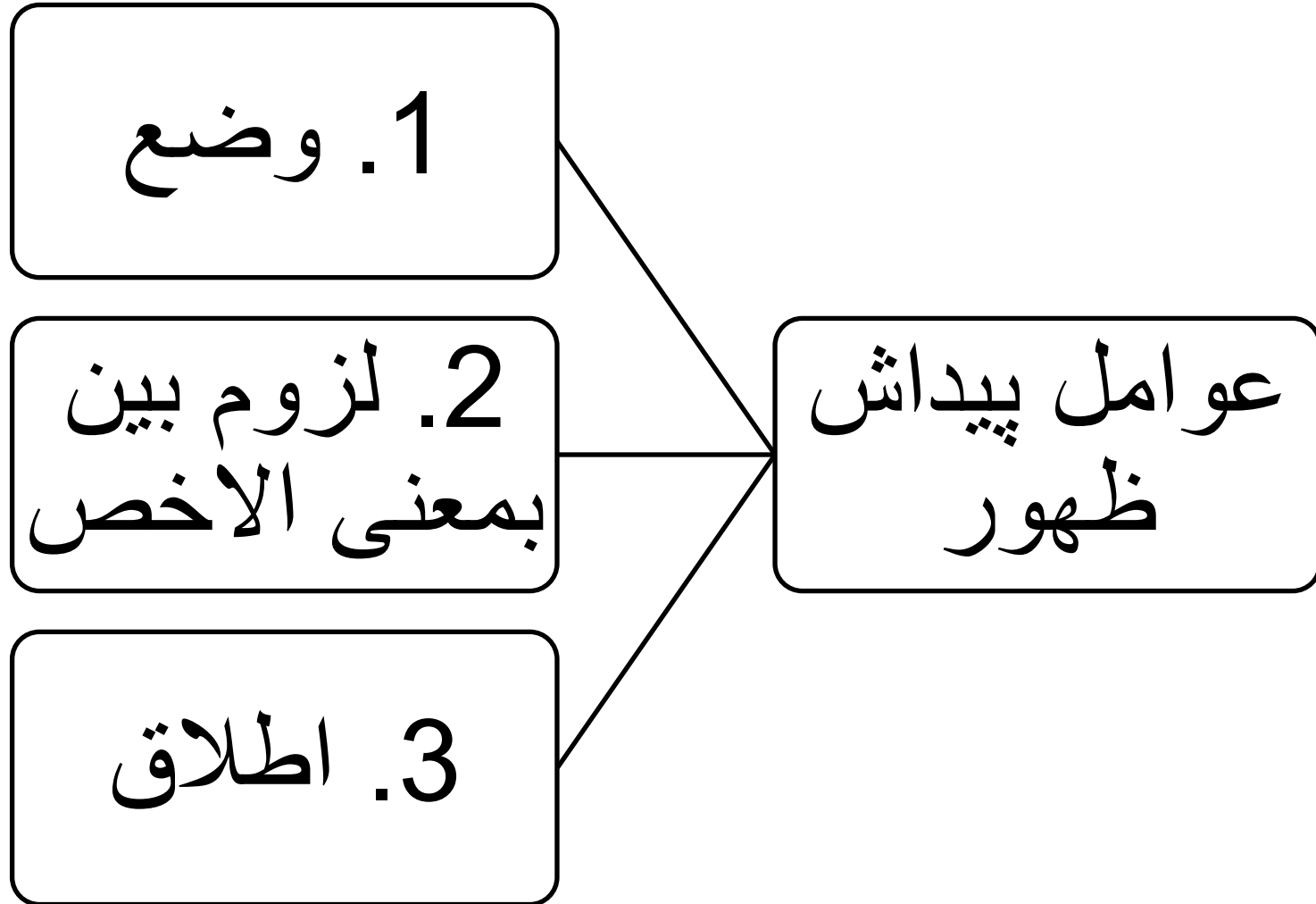


# علائم تشخیص حقیقت از مجاز

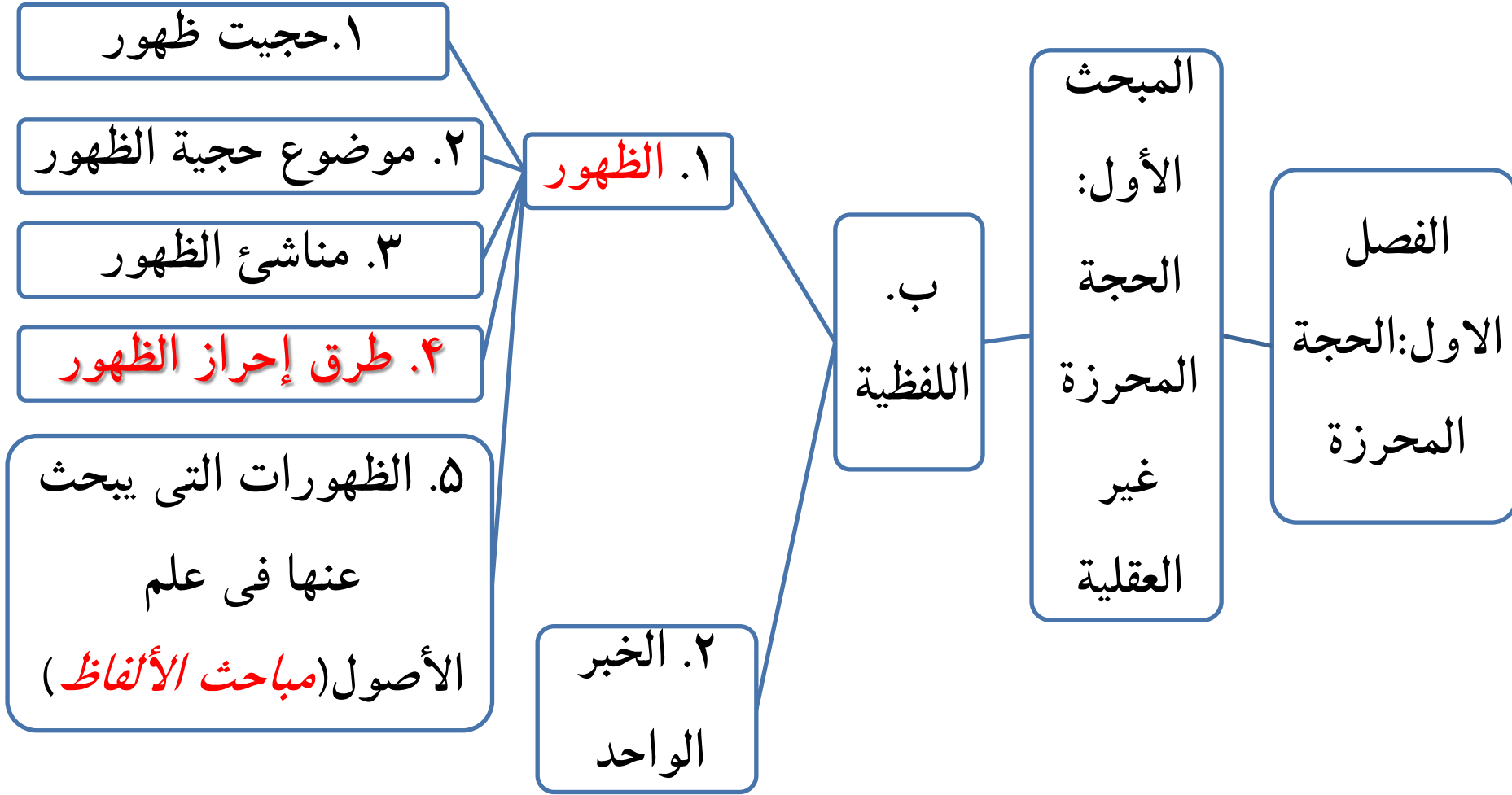




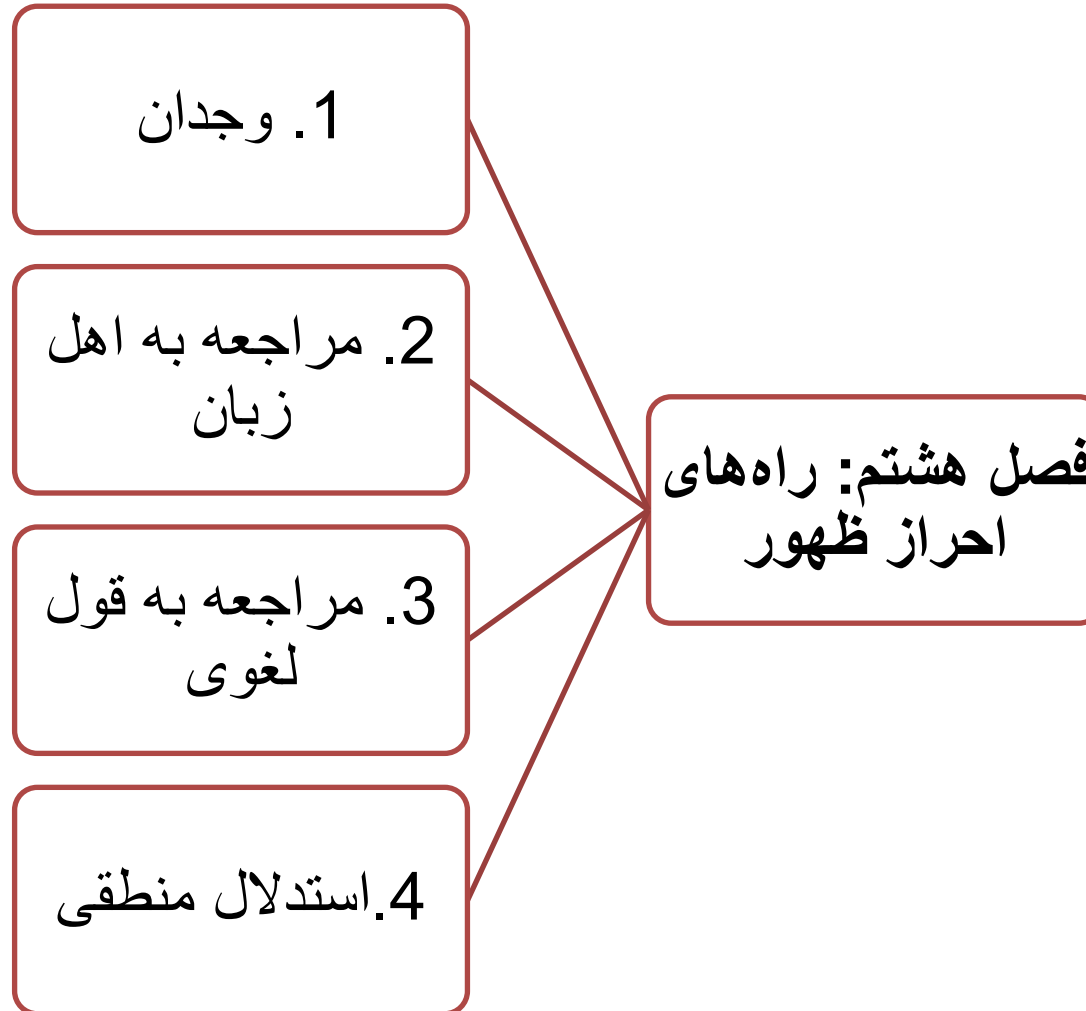
### ٣. مناقشة الظهور: اطلاق







## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۲. مراجعه به اهل زبان
- راه دوم این است به افراد اهل زبان مراجعه کنیم تا مثلاً بینیم یک لفظ در زبان عربی در چه معنایی ظهور دارد.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در اینجا نیز برای تشخیص موضوع له بحث تبادر مطرح است با این تفاوت که در بحث گذشته تبادر نزد مستعلم (شخصی که به دنبال معنای حقیقی است) مورد نظر ما بود و مشکل دور فقط در همین موارد مطرح است؛ اما اگر تبادر نزد غیر مستعلم باشد؛ یعنی بخواهم از طریق تبادر نزد شخص دیگری به موضوع له علم پیدا کنم، دیگر مشکل دور وجود ندارد؛ چون علم من به وضع بر تبادر نزد این شخص متوقف است و تبادر نزد این شخص متوقف است بر علم او به وضع.
- پس آن علمی که متوقف بر تبادر است علم من است و آن چیزی که تبادر متوقف بر آن است علم او است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در آثار اصولی این نکته مطرح نیست که در موارد تبادل نزد خودم، احراز تبادل برای من وجدانی است؛ یعنی خودم بالوجدان این انسباق ذهنی معنا را درک می‌کنم؛ اما در موارد تبادل نزد غیر مستعلم این سؤال وجود دارد که از چه طریقی می‌توانم پی ببرم که این معنا همان معنایی است که در ذهن او از سایر معانی سبقت گرفته است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در واقع اینجا یک نوع اخبار وجود دارد و من راهی به تبادل ذهن او غیر این اخبار خود او ندارم. آیا می‌توانم به قول این شخص اعتماد کنم؟

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

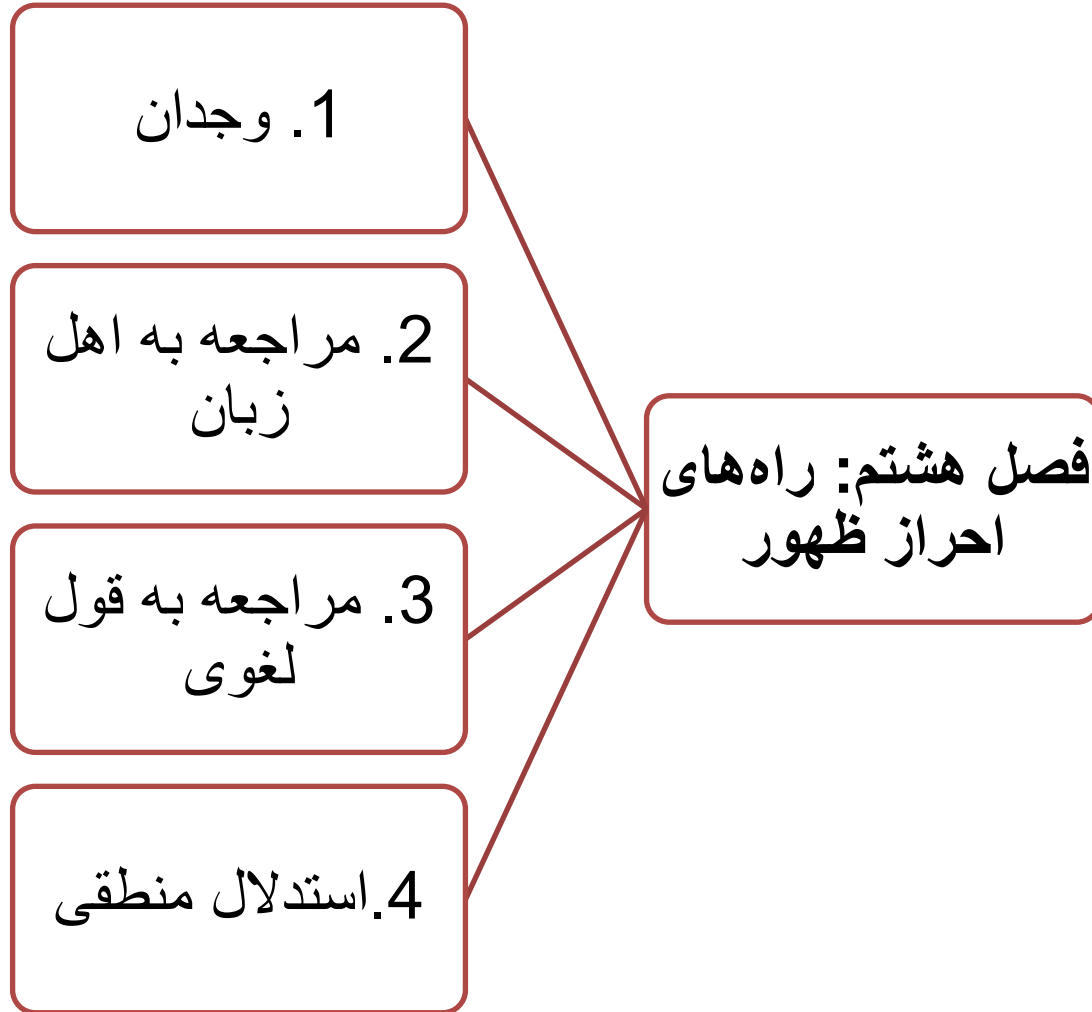
- اصولی‌ها در باب حجیت قول لغوی بحث کرده‌اند. لغوی کسی است که متخصص در یک زبان است و بر روی این مسأله که الفاظ برای چه معنای وضع شده‌اند، کار تخصصی انجام داده است و خیلی‌ها هم در اینکه قول لغوی حجت باشد، تردید کرده‌اند؛ یعنی در حجیت قول لغوی که متخصص این کار است، تردید کرده‌اند در حالی که در حجیت قول این فرد که غیر متخصص و یک آدم عادی است، تردید نکرده‌اند.
- به نظر می‌رسد این سؤال برای اصولی‌ها مطرح نبوده است تا بخواهند درباره آن بحث کنند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- همین بحث در مراجعه به صحت حمل در نزد اهل زبان نیز مطرح است؛ مثل اینکه به شخصی که زبانش عربی است بگویند آیا الأسد حیوان مفترض درست است و از این طریق کشف کند که برای حیوان مفترس وضع شده است.
- اصولی‌ها در بحث صحت حمل به این بحث نپرداخته‌اند که صحت حمل در نزد مستعلم مقصود است یا در نزد غیر مستعلم.
- در اینجا نیز همان سؤال دوباره مطرح می‌شود که آیا می‌توانم به قول این غیر مستعلم اعتماد کنم.



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۳. مراجعه به قول لغوی
- تفاوت لغوی با اهل زبان در این است که لغوی تنها یک انسان عادی آشنای با زبان نیست، بلکه یک خبره در آن زبان است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اصولی‌ها بحث کرده‌اند که آیا قول لغوی حجت است یا نه؛ یعنی اگر لغوی به من گفت که این لفظ برای این معنا وضع شده است، آیا با قول لغوی موضوع له مشخص می‌شود.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- قداما قول لغوی را حجت می‌دانستند. سید مرتضی رضوان الله علیه بر حجیت قول لغوی ادعای اجماع کرده است که حداقل کاشف از این است که این نظر در زمان وی مورد قبول بوده است.
- متأخرین در حجت قول لغوی تردید کردند و بسیاری آن را نپذیرفتند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- این بحث در دو مقام مطرح است: حجیت قول لغوی در تعیین موضوع له و حجیت قول لغوی در تعیین مستعمل فیه.
- گاهی لغوی به ما می‌گوید که این معنا وضع شده است و گاهی می‌گوید که این لفظ در این معنا استعمال شده است و هیچ سخنی از اینکه این استعمال حقیقی است یا مجازی، به میان نمی‌آورد.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- سؤال این است که اگر قرار باشد قول لغوی حجت باشد، از چه بایی حجیت دارد.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در مباحث رجالی همین سؤال در مورد قول رجالی هم مطرح است که اگر قول رجالی حجت است از چه بابی است؛ یعنی این کلام رجالی را که می‌گویند مثلاً «زراره ثقة» و ما روایتش را اخذ می‌کنیم، از چه بابی می‌پذیریم. در جای خود بحث کرده‌ایم که آیا قول رجالی از باب خبر واحد ثقة حجت است یا از باب قول اهل خبره یا از باب بینه (شهادت عدلین). (ر.ک: هادوی تهرانی، مهدی، تحریر المقال فی کلیات علم الرجال، ص ۲)

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۱. حجیت قول لغوی از باب بینه
- بعضی گفته‌اند لغوی درباره لغت و الفاظ حرف می‌زند و این‌ها از قبیل موضوعات هستند و در موضوعات بینه لازم است.
- بنابراین قول لغوی از باب بینه حجت است؛



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- به عبارت دیگر:
- آنچه لغوی برای ما بیان می‌کند حکم شرعی نیست، بلکه موضوع است؛ چون ذات الفاظ و معانی آنها حکم نیستند. (صغری)
- در موضوعات شرعی فقط بینه لازم است. (کبری)
- پس قول لغوی از باب بینه حجت است. (نتیجه)

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- پذیرش این نتیجه آثاری دارد.
- مهم‌ترین آن این است که باید قول لغوی **شرایط بینه** را داشته باشد تا بتواند حجت باشد. برخی از شرایط بینه به شاهد مربوط می‌شود که مهم‌ترین آن **عدالت** است؛ یعنی شاهد باید عادل باشد.
- همچنین در تحقق بینه **دو نفر شاهد** لازم است و نیز این دو شاهد باید **مرد** باشند و معمولاً اگر زن باشند، هر دو زن به منزله یک مرد تلقی می‌شوند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- برخی از شرایط بینه به خود اخبار بینه برمی‌گردد؛ مثل اینکه اخبار بینه باید عن حس باشد. بینه در مورد اخباری ارزش دارد که مُخبر مشهود علیه را حس می‌کند نه اینکه آن را حدس می‌زند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- پس شاهد باید در بین اهل زبان جستجو کرده باشد و خودش دیده باشد یا شنیده باشد که اهل زبان این لفظ را در این معنا به کار می‌برند.
- امر در اخبار از مستعمل فیه سهل است؛ اما در جایی که لغوی موضوع له را بیان می‌کند، مسأله فرق می‌کند و در این موارد ممکن است إخبارش عن حس باشد و آن در جایی است که اهل زبان خودشان به او خبر می‌دهند که این لفظ در زبان ما برای این معنا وضع شده است و در واقع لغوی از طریق حس احراز می‌کند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در این صورت قول لغوی با تأمین سایر شرایط حجت خواهد بود. لیکن معمولاً اهل زبان اخبار از موضوع له نمی‌دهند و اخبارشان از مستعمل فیه است و معمولاً لغوی برای تعیین موضوع له یک سری تحلیل انجام می‌دهد و به نشانه‌ها و علاماتی تمسک می‌کند که همه آنها امور حدسی است؛ مثلاً می‌بینید این لفظ در این معنا استعمال شده است و زیاد هم استعمال شده است و در بسیاری از این استعمالات قرینه‌ای در کار نبوده است و استعمال لفظ در یک معنایی بدون قرینه به صورت شایع بر اساس بحث‌های گذشته نشان می‌دهد که این معنا حقیقی است. پس وی نتیجه می‌گیرد که باید این لفظ برای معنا وضع شده باشد.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- این نتیجه حسی نیست، بلکه اجتهاد می‌کند و حدس می‌زند مثل فتوای مجتهد که اخبار عن حدس است.
- فقها از خود معصوم علیه السلام مطلبی را نشنیده‌اند و چیزی هم به این‌ها وحی نمی‌شود، بلکه با یک سری ضوابطی و با استدلال‌هایی اجتهاد می‌کنند و یک مطلبی را حدس می‌زنند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اشکال بر مقدمة اول
- در بعضی مواردی لغوی از معنای یک لفظ خبر می‌دهد و آن معنا در تعیین حکم دخالت می‌کند نه در تعیین موضوع.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مثلاً در احکام تکلیفی فرض کنید معنای لفظ کراهت یا معنای لفظ وجوب یا معنای صیغه امر یا معنای صیغه نهی را بیان کند و ما بخواهیم با این‌ها حکم را به دست بیاوریم.



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در احکام وضعی مثل اینکه الفاظی را بیان کند که حاوی یک حکم وضعی نظیر نجاست، شرطیت و جزئیت باشد؛ مثلاً در آیه «إنما المشركون نجس» لفظ «نجس» وارد شده است. مراجعه به لغت و معنایی که لغوی برای نجس تعیین می‌کند در اثبات نجاست مشرکان نقش دارد. اگر ما به لغوی مراجعه کردیم و گفت نجس به معنای نجاست مصطلح است و برای همین معنا وضع شده است، نتیجه می‌گیریم که پس مشرکین به اصطلاح فقهی نجس‌اند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- بنابراین همیشه این طور نیست که قول لغوی به حوزه موضوع مربوط باشد، بلکه در بعضی موارد قول لغوی به حوزه حکم مربوط می‌شود.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اشکال بر مقدمه دوم
- ما کبری را قبول نداریم و معتقدیم که خبر واحد هم در احکام و هم در موضوعات حجت است.
- خلاصه سخن آنکه در بحث در بحث حجیت خبر واحد خواهیم گفت که خبر واحد حجت است هم در احکام و هم در موضوعات و بینه به مواردی اختصاص دارد که دلیل خاص بر اعتبار بینه داریم.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- بنابراین قول لغوی از باب بینة حجت نیست؛ چون دلیل خاص نداریم. حال این سؤال مطرح می‌شود که قول لغوی از باب خبر واحد حجت است یا از باب قول خبره؟